

بحران آب واقعیستی است که امروز پایتخت با تمام وجود آن را لمس می کند. ذخایر سدهای تأمین کننده آب تهران در کمترین میزان ۶۰سال اخیر قرار گرفته است و طبق اعلام مسئولان، اگر بارندگی ها در هفته های پیش رو آغاز نشود، جیره بندی آب از آذرماه قطعی است. در حالی که شرکت آب وفاضلاب از مردم خواسته است یا صیغه جویی ۱۰درصدی، مانع ورود به «وضعیت قرمز» شوند، این پرسش مطرح است که دولت و نهادهای مسئول چه برنامه ای برای عبور یا پیدار از بحران و جلوگیری از تکرار خشکسالی های پی درپی دارند؟

■ ■ ■

از دو سه هفته آینده و طبق اعلام غیررسمی از مقام های وزارت نیرو، جیره بندی آب قطعی است. برای برخی مناطق ممکن است بین دو تا سه ساعت در روز در صورت استمرار وضعیت بیشتر آب نباشد، کمالینکه قطعی آب از چند ماه گذشته در برخی مناطق تهران آغاز شده است. یکی از ساکنان محله ستارخان در این باره گفت: مدتی است که آب دو بار در هفته از ساعت ۱۰شب تاحوالی ۵صبح قطع است و در تماس با شرکت آب و فاضلاب علت آن مصرف زیاد در منطقه اعلام شده است، همچنین در مناطقی از شرق تهران از جمله محله نارمک، دانشگاه علم و صنعت و مناطق دیگری از جمله هفت تیر، یوسف آباد، نیاوران، جردن، گیشا و فرشته نیز قطعی آب گزارش شده است.

■ **هشدار در باره جیره بندی آب تهران**

رئیس جمهور هفته گذشته در نشست توسعه عدالت آموزشی در سندنج ضمن بیان مسائل مختلف اقتصادی و اجتماعی کشور گفت: هم اکنون ایران با بحران های طبیعی همچون کمبود بارش و منابع آبی روبه روست و این بحران ها می تواند پیامدهای جدی برای تأمین منابع آب و گاز داشته باشد. مسعود پزشکیان با تأکید بر اینکه کشور نیاز به مدیریت بهتر در این حوزه ها دارد، تصریح کرد: اگر باران نبارد، احتمالاً آذرماه باید در تهران آب جیره بندی شود و اگر باز هم نبارد، باید تهران را خالی کنید. همزمان با این اظهارات مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران نیز به تازگی از کاهش ذخایر سدهای تهران خبر داد و گفت: ذخایر سدهای تأمین کننده آب تهران هم اکنون در کمترین میزان ۶۰سال اخیر قرار دارد. محسن اردکانی با بیان اینکه امسال ششمین خشکسالی

«نجات آب» مسئولیت مشترک حاکمیت و مردم

جیره بندی آب از آذرماه؟

ذخایر سدهای تأمین کننده آب تهران در کمترین میزان ۶۰سال اخیر قرار دارد



یوریا باکیزه | ایسنا

گذشته نیز کم بارش ترین سال یک قرن اخیر محسوب می شد، ضمن آنکه از ابتدای پاییز امسال تاکنون نیز یک قطره باران در تهران دریافت نکرده ایم و چاره ای جز سازگاری با این شرایط اقلیمی وجود ندارد و این سازگاری با مصرف پهنه و رعایت الگوی مصرف حاصل خواهد شد. مدیرعامل آفای استان تهران تأکید کرد: هم اکنون در یک مقطع حساس و پریسک هستیم و همکاری همه جانبه شهروندان برای گذر از این مقطع کار ساز و مؤثر خواهد بود، بنابراین از همگان انتظار می رود کمتر، کمتر و کمتر مصرف و به عبارتی بیشتر، بیشتر و بیشتر صرفه جویی کنیم تا از وضعیت قرمز بی آبی دور شویم.

اردکانی افزود: فراموش نکنیم که در یک رخدادی سابقه، پنج خشکسالی متوالی را پشت سر گذاشته ایم و سال آبی

■ **دولت برای مدیریت آب برنامه ای دارد؟**
صرفه جویی ۲۰درصد آب از سوی مردم اگر چه برای عبور از شرایط فعلی ضروری است اما سؤال این است که در نهایت دولت چه برنامه ای برای عبور از شرایط فعلی دارد. بر اساس گزارش ها ۹۰درصد آب ایران در کشاورزی مصرف می شود که ۶۰درصد آن هدر می رود. در شهر تهران ۲۲درصد آب شرب در لوله های فرسوده هدر می رود.

از سوی مجموعه وزارت نیرو صورت گرفته یا در حال انجام است که می تواند با همکاری شهروندان در مدیریت حداقل ۳۰درصد از بودجه آب به نوسازی لوله های فرسوده اختصاص نیافت که امروز عامل هدر رفت یک چهارم آب

محسوب می شوند و به نوعی متولی تأمین آب در کشور هستند، تذکر دهد تا آنها نیز تدابیری را در این زمینه بیندیشند. اگر این مسئولان قادر به رفع این مشکلات نیستند، حداقل باید این موضوع را با مردم در میان بگذارند تا آنها دعای باران بخوانند!

سیدمحسن موسوی زاده، نماینده مردم اهواز، کارون، باوی و حمیدیه در مجلس شورای اسلامی نیز با انتقاد از نبود برنامه ریزی مؤثر در مدیریت منابع آبی کشور گفت: در سال گذشته بسیاری از مناطق خوزستان با بحران جدی کم آبی و تنش های گسترده در تأمین آب شرب و کشاورزی مواجه بودند، این در حالی است که وزارت نیرو می توانست با پیش بینی دقیق تر از بروز چنین وضعیتی جلوگیری کند. انتظار می رود اسن وزارتخانه با درس گرفتن از تجربه تلخ گذشته، از هم اکنون برای مدیریت اصولی منابع آب و پیشگیری از تکرار بحران اقدام عملی انجام دهد نه اینکه دوباره مردم را در فصل گرما غافلگیر کند.

وی با اشاره به اینکه مدیریت آب نباید صرفاً به اقدامات مقطعی محدود شود، افزود: موضوع بارورسازی ابرها و استفاده از روش های علمی افزایش بارندگی باید از شعار خارج و به برنامه ای پایدار تبدیل شود. وزارت نیرو باید از ظرفیت دانشگاه ها و شرکت های دانش بنیان برای اجرای طرح های واقعی افزایش بارش و احیای منابع آبی استفاده کند. متأسفانه بسیاری از تصمیمات این وزارتخانه تاکنون واکنشی بوده و کمتر بر مبنای تحلیل داده ها و برنامه ریزی آینده نگر است. وی با تأکید بر لزوم پاسخگویی مسئولان وزارت نیرو گفت: مجلس انتظار دارد وزارت نیرو با ارائه برنامه های مشخص، زمانبندی شده و قابل ارزیابی برای مدیریت آب در استان های کم بارش به ویژه خوزستان، نشان دهد بحران آب را جدی گرفته است. وقت آن رسیده است که نگاه به آب از سطح شعار به سطح اقدام برسد.

نماینده مردم اهواز در پایان خاطر نشان کرد: اگر امروز برای بازنگری در سیاست های آبی کشور چاره اندیشی نشود، سال آینده بابحران شدیدتری مواجه خواهیم شد. وزارت نیرو باید با نگاه عدالت محور، تصمیمات خود را بر اساس نیاز واقعی استان ها اتخاذ کند تاخوزستان که سال ها بار توسعه کشور را بر دوش کشیده است، قربانی بی برنامه گی مدیریتی نشود.

■ **زمان اقدام است، نه توصیه**

بحران آب امروز دیگر مسئله ای مقطعی یا محدود به تهران نیست، بلکه نشانه ای از نیاز فوری کشور به اصلاح الگوی مدیریت منابع آبی است. اگر چه صرفه جویی شهروندان می تواند از تشدید وضعیت فعلی جلوگیری کند، اما حل ریشه ای این بحران نیازمند تصمیم های شجاعانه در سطح حاکمیت است؛ از نوسازی شبکه های فرسوده انتقال آب گرفته تا اصلاح نظام کشت و جلوگیری از هدر رفت منابع در بخش کشاورزی. اکنون زمان اقدام است، نه توصیه. اگر امروز تصمیم های در دست گرفته نشود، فردا حتی صرفه جویی مردم هم دیگر کافی نخواهد بود.

عدالت در کلام، نابرابری در ساختار



وحدید عظیم بیا
دبیر گروه اقتصادی

وضعیت نوعی «اقتصاد کاه تفص» ایجاد کرده است که در آن نگاه ها برای بقا می جنگند!

در این میان، طرح هایی مانند «رویش» یا «اعتبار ملی» اگر بدون اصلاح ساختار نظارتی و بدون شفافیت در نحوه تخصیص منابع اجرا شوند، به سر نوشت طرح های مشابه در گذشته دچار خواهند شد. تبدیل منابع خرد مردم به صندوق های ارزی یا اوراق مشارکت، در ظاهر ایده ای

کارآمد است، اما اگر بازدهی واقعی این سرمایه گذاری ها مشخص نباشد و اعتماد عمومی به نهادهای مالی تقویت نشود، مردم بار دیگر سرمایه خود را به شکل سنتی و غیرمولد حفظ خواهند کرد. عدالت اقتصادی با جمع آوری پول مردم محقق نمی شود بلکه با اطمینان بخشی به آنان در باره بازگشت سرمایه و ثبات ارزش آن تحقق می یابد. از منظر سیاسی، تداوم گفتمان عدالت محور در سخنان مسئولان اقتصادی بیش از آنکه نشانه تحول باشد، می تواند نوعی واکنش به نارضایتی عمومی از نابرابری باشد. جامعه ای که در آن فاصله طبقاتی افزایش و قدرت خرید طبقات پایین پیوسته کاهش می یابد، به طور طبیعی انتظار دارد عدالت نه در سخن، بلکه در سیاست گذاری دیده شود. زمانی که وزیر اقتصاد از رشد عدالت محور سخن می گوید، باید روشن شود رشد چگونه در زندگی روزمره مردم قابل مشاهده خواهد بود؟ آیا وام ازدواجی که ماه ها در صف انتظار است، بخشی از همین عدالت است؟ و آیا بنگاه های کوچک که به دلیل نبود نقدینگی تعطیل می شوند، سهمی از عدالت بانکی دارند؟

تبدیل دارایی های منجمد بانک ها به توکن های دیجیتال نیز اگر چه به ظاهر رویکردی مدرن است، اما بدون زیرساخت حقوقی و نظارتی شفاف، ممکن است به شکل تازهای از ریسک مالی تبدیل شود. بانک هایی که در مدیریت دارایی های فیزیکی خود ناکام بوده اند، چگونه می توانند در فضای دیجیتال، دارایی های توکنیزه شده را به گردش سالم برسانند؟ توکن سازی اگر به درستی انجام نشود، می تواند زمینه ساز سفته بازی جدیدی شود و بی ثباتی مالی را تشدید کند، بنابراین سیاستگذار اقتصادی باید میان نوآوری مالی و بی ثباتی مالی تمایز قائل شود و اجازه ندهد ابزار های نو به پوششی برای ضعف مدیریتی بانک ها بدل شود.

در عرصه اقتصادی، عدالت محور نیازمند انضباط مالی و شفافیت نهادی است. هنگامی که اطلاعات مربوط به تسهیلات کلان در دسترس عموم نیست و نظارت مؤثری بر نحوه تخصیص منابع وجود ندارد، سخن گفتن از عدالت بیشتر شبیه شعار است. یکی از پیش نیازهای تحقق عدالت اقتصادی، دسترسی عمومی به داده های بانکی است تا همگان بدانند چه مقدار از منابع بانکی در چه بخش های صرف می شود و کدام نهادها بیشترین سهم را از تسهیلات دارند. تا زمانی که این شفافیت ایجاد نشود، اعتماد عمومی به وعده های عدالت محور

وزیر امور اقتصادی و دارایی اخیراً بار دیگر از ضرورت حرکت بانک ها در مسیر «برنامه رشد عدالت محور» سخن گفته و از سه طرح بزرگ وزارت اقتصاد، شامل «طرح ۲۰»، «طرح رویش» و «طرح اعتبار ملی» رونمایی کرده و وعده داده است این برنامه ها می توانند سرمایه های خرد را به جریان تولید وارد کنند، شبکه بانکی را سالم سازند و عدالت اقتصادی را تحقق بخشند. این

رویکرد امیدوارکننده است اما بررسی دقیق تر ساختار نظام بانکی و سیاستگذاری اقتصادی کشورمان نشان می دهد فاصلهای عمیق میان گفتمان عدالت محور دولت و واقعیت نابرابر میدان اقتصاد وجود دارد.

عدالت در اقتصاد زمانی معنا می یابد که فرصت های دسترسی به منابع مالی، تسهیلات و سرمایه گذاری برای اقشار و مناطق مختلف کشور یکسان باشد. در حالی که داده های رسمی نشان می دهد بخش عمده ای از تسهیلات بانکی در اختیار یک درصد از اشخاص حقیقی و حقوقی قرار دارد، بخش های مولد و کوچک، به ویژه در استان های کمترتیر خوردار، همچنان از کمبود نقدینگی، نرخ بهره بالا و نبود ضمانت های بانکی رنج می برند. این تناقض بنیادین میان ادعای عدالت محور و ساختار تمرکزگرای نظام بانکی، نشان می دهد مشکل

و راهبیت و مکانیسم توزیع اعتبار است. وزیر اقتصاد در سخنان خود به درستی بر ضرورت سالم سازی ترازنامه بانک ها تأکید کرده است، اما مفهوم «سلامت بانکی» اگر صرفاً به معنای کاهش بدهی ها و حذف دارایی های منجمد باشد، بدون تغییر در راستای جریان اعتبار، به هدف عدالت منجر نخواهد شد. تجربه دهه های اخیر نشان داده است بانک ها در مسیر سودآوری کوتاه مدت، ترجیح می دهند منابع خود را به بازارهای غیرمولد مانند املاک، ارز و طلا سوق دهند. در چنین شرایطی، حتی اگر ترازنامه ها از زیان پاک شود، عدالت مالی همچنان محقق نخواهد شد. عدالت در نظام بانکی زمانی تحقق می یابد که منابع به جای حرکت به سوی دارایی های سوداگرانه، به سمت فعالیت های مولد، صادراتی و اشتغال زا هدایت شود.

نکته مهم دیگر، مسئله سرمایه گذاری بلندمدت است. به اعتراف برخی ها، از اوایل دهه ۱۳۹۰، رشد سرمایه گذاری در کشورمان، تقریباً محدود بوده است. این واقعیت تلخ حاصل ضعف مدیریتی و نتیجه تاقی چند عامل ساختاری از جمله ناطمینانی در فضای کسب و کار، سیاست های ناپایدار ارزی و نبود ابزارهای مالی نوین برای تأمین سرمایه بلندمدت است. در چنین فضایی، بانک ها مدعی هستند ناگزیر به سمت تسهیلات سرمایه اطمینان حاصل کنند، در نتیجه پروژه های بزرگ صنعتی و زیرساختی که نیازمند سرمایه گذاری بلندمدت هستند، عملاً از چرخه تأمین مالی حذف شده اند. این

پرچم سرعت بالا است!

